

درآمدی بر سوگ

■ محمدرضا برزگر

موسیقی‌دان و پژوهشگر موسیقی کتول
مؤلف کتاب‌های «اورشتم» و «نغمه‌های کتولی»



■ مقدمه

سوگواره، سوگنامه یا مرثیه، شعر یا سخنی است که در سوگواری خوانده می‌شود و در آن با یاد از محاسن و نیکی‌های فرد درگذشته و با به تصویر کشیدن تیره‌روزی و نگون‌بختی و شرح ماتم و اندوه بازماندگان، در مخاطب حس ترخم و همدلی یا ترس برمی‌انگیزد.

در زبان و ادبیات انگلیسی سوگواره یا «elegy» یک شعر جدی است که به‌طور معمول واکنشی از صجه و زاری برای مردگان است.

در فرهنگ‌ها، سوگ حضرت آدم را بر شهادت هابیل جزو نخستین سوگواری‌های اساطیری و تاریخ انبیا دانسته‌اند، که به‌خصوص در دین‌های ابراهیمی حایز اهمیت است. حتی بعضی باور دارند اولین بار حضرت آدم «چهل» شبانه‌روز برای پسرش سوگواری کرد و آیین‌های عزاء، به‌خصوص تا چهل‌م، ریشه در همین باور دارد.

در فرهنگ موسیقی و شعر، اجرای بارید در مرگ شب‌دیز، که اسب محبوب خسرو پرویز بوده، معروف است و مدرک مهمی بر رسم سوگ موزون. خسرو چنان اسبش شب‌دیز را دوست می‌داشت که گفته بود قاصد مرگ شب‌دیز را خواهد کشت؛ به همین خاطر وقتی شب‌دیز مُرد، کسی جرأت نداشت خبرش را بیاورد، تا این‌که خنیاگر دربار با اجرای یک سوگواره، چنان خسرو پرویز را تحت تأثیر قرار داد که شاه گفت انگار شب‌دیزم مُرده و این‌طور خودش شد خبردهنده‌ی مرگ اسب‌اش. این داستان مهم از آن حکایت دارد که رسم سوگ موزون، حتی غمنوازی بی‌کلام در موسیقی ایرانی سابقه‌ی طولانی

داشته و چه برسد به تلفیق شعر و موسیقی که در فرهنگ‌های گلستان، به‌خصوص به خاطر حضور اقوام مختلف، جلوه‌ای دیگر دارد. اما «سوگ سیاوش»، نماد مظلوم‌کشی در شاهنامه، مهم‌ترین سوگنامه به لحاظ گستردگی و عمق سوگنامه‌هاست که حتی بعد از اسلام نیز نشانه‌هایش مانده، به خارج از فرهنگ ایرانی هم راه یافته و می‌تواند سرمنشاء مراسم‌های سوگواره‌ها مثل «سرگریه‌ی کتولی» باشد.

شکل و شمایل سرگریه‌ها و ... که با توجه به ویژگی‌های مثبت سیرت و صورت شخصی درگذشته، در مراسم انجام می‌شود، بی‌شک ریشه در ایران باستان دارد؛ چراکه ویژگی‌های شعر عروضی برگرفته از ادبیات عرب را ندارد.

سوگواری قهرمانان جوان، مانند سیاوش و سهراب، در آیین‌های باستانی ایران، به دلیل آمیزش با مذهب شیعه و ارادت به اهل بیت، به آیین‌های ماندگار و باشکوهی تبدیل شد.

مرگ طبیعی‌ترین حادثه در زندگی انسان‌ها شمرده می‌شود، ولی در هر جای جهان مراسم ویژه‌ای دارد، که به جهان‌بینی انسان‌ها بستگی دارد و تحت تأثیر عوامل اقلیمی و فرهنگی، معمولاً رنگ محلی و منطقه‌ای به خود گرفته است. بررسی‌های عمیق مردم شناختی درباره‌ی مرگ و آداب و رسوم آن، ما را در شناخت بهتر فرهنگ سنتی و بومی هر قوم و منطقه کمک می‌کند. موسیقی عزاء و مویه و خاک‌سپاری، بخش مهمی از موسیقی آیینی کشورمان را تشکیل می‌دهد و در بررسی‌های هویت‌شناسی فرهنگی نقش ارزنده‌ای را ایفا می‌کند.



مرحومه هاجر تجری (۱۳۳۸-۱۳۲۱ ش) راوی اشعار سرگریه

دیدن و شنیدن مستقیم، می‌توان درست درک کرد و با توضیح و تفسیر نمی‌شود حق مطلب را به خوبی ادا کرد. موسیقی کتولی در عزاداری‌ها نیز همنوای عزاداران و باعث آرامش دل و تسلی روح داغدیدگان در مصائب شده است. در مراسم سوگ، زنان به صورت فی‌البداهه مویه‌هایی در مدح و ستایش متوفی می‌سرایند و غم و اندوه درونی خود را به حاضرین منتقل می‌کنند. به این کار «سرموری» و به این مقام «سرگریه» می‌گویند که به معنی «گریه‌ی بلند» می‌باشد و از نظر محتوا بسیار حزن‌انگیز است. این سنت هنوز هم در منطقه‌ی کتول پابرجاست. «سرگریه» در دسته‌بندی آوازهای کتول جزو «راست مقام‌ها» می‌باشد و در گویش کتولی، به نام‌های دیگری نیز مانند «گریه‌دان» و «نودانه» خوانده می‌شود.

■ برخی اشعار سرگریه

اشعار ذیل به روایت از مرحومه هاجر تجری، فرزند غلامعلی و خدیجه (۱۳۹۸. ۱۳۲۱ ش) از روستای سیامرگو می‌باشد.

■ اشعار نوعی گریه‌دان (از زبان مادر متوفی)

وَجَمَّ اسْب سوارهایی بُوئُرده جنگل / هَی مارتِ بَمیره
vaem asbe suār hābi boa rde jangal / hay māret bamire
خُورِش بیامبوئِه. آ. سونِه جنگل / هَی مارتِ بَمیره
xevare biyāmbœ - a - sune jangal / hay māret bamire
وَجَمَّ قَدِ بَلَد بالا داشت / هَی مارتِ بَمیره
vaem qadde beland bālā dāt / hay māret bamire
وَجَمَّ نامش دَکَت سَرِ فانا / هَی مارتِ بَمیره
vaem nāme dakket sare zefānā / hay māret bamire
نَعِش وَجَمَّ بیامبو میانِ آبادی / هَی مارتِ بَمیره
nae vaem biyāmbœ miyāne ābādi / hay māret bamire
چِنَازِش دَبی رودش رفیقاش / هَی مارتِ بَمیره
jenāze dabi ru due refiqā / hay māret bamire
مِسلمانا هِشگس مارِ بُوئِه مار / هَی مارتِ بَمیره
meselmānā hika mār nabue mār / hay māret bamire
هِیچ ماری مِثْ من بُوئِه داغدار / هَی مارتِ بَمیره
hi māri mese man nabue dāqdār / hay māret bamire
وَجَه کِلان هاگردم زار و این زار / هَی مارتِ بَمیره
vae kelān hākoerdm zār - o - in zār / hay māret bamire
شُواتِصِپ داشتیمش بالا پاهام / هَی مارتِ بَمیره
o tā seb dāteme bālā pāhām / hay māret bamire

اصولاً مرگ رویداد بسیار تلخ و ناگوار است که از نظر روانی و اجتماعی هضم آن دشوار است. از این رو، فرهنگ هر جامعه در مقابله با چنین رویدادی باید توجیهات و مراسم ویژه‌ای را تجویز کند. در ایران برای بزرگداشت و تجلیل از درگذشتگان و نیز برای کاهش اندوه و تقویت روحیه‌ی بازماندگان، مراسم سوگواری برگزار می‌شود. انجام دادن مراسم سوگواری، در فرهنگ کهنسال این سرزمین سابقه‌ای دیرینه دارد.

■ سرگریه‌های کتولی

هر قوم یا گروه جمعیتی، بسته به خاستگاه فرهنگی - جغرافیایی خود، برخوردی متفاوت با مسئله‌ی مرگ داشته و دارند، که این نوع برخوردها بنا بر پذیرش ادیان و مذاهب، تغییر محل سکونت، آمیختگی با دیگر اقوام و ... می‌تواند دست‌خوش تغییرات و تحولاتی شود. قوم کتول، به عنوان یکی از قدیمی‌ترین اقوام سرزمین استرآباد، از جمله اقوامی هستند که دارای فرهنگ بومی بسیار بارز و شاخص بوده و با وجود تحولات بسیار زیادی که در گذر زمان در نحوه‌ی زندگی آنان ایجاد شده، هنوز به بسیاری از باورها و شاخص‌های فرهنگی خود پایبند هستند.

آن‌چه از سرگریه‌های کتولی می‌توان دریافت کرد، این است که اگرچه تأثیرات تاریخی در این رسم دیرین مشهود است، اما توصیف شخصی درگذشته به صورت بداهه‌سرایی، همراه با لحن موزون و اندوه‌بار، خبر از کهن بودن این رسم در شمال ایران دارد. آن‌چه ناگفته پیداست این است که بعضی از آواها و نواهای اقوام، مثل «سرگریه» را فقط با حضور در مراسم و

آی شیرِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay ire berār / xoa ret bamire
آی قِشَنگِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay qeange berār / xoa ret bamire
آی جانِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay jāne berār / xoa ret bamire
آی یادگارِ پییر / خُونَرِتِ بَمیره
ay yādegāre piyar / xoa ret bamire

■ منابع

۱. برزگر، محمدرضا. اورشیم، ۱۳۸۷.
۲. برزگر، محمدرضا. نغمه‌های کتولی، ۱۳۹۶.
۳. زنده یاد استاد اسماعیل خان معززی (۱۳۷۹-۱۳۱۴ش)، موسیقیدان و نوازنده دوتار کتول.
۴. مرحومه هاجر تجری، مطلع بومی، روستای سیامرگو

وچَم خواستِم بِروم بِراتِ خازَندی / هِی مارتِ بَمیره
vaem xāstem berom berāt xāzendi / hay māret bamire
وچَم خواستِم دَستاتِه جَنادونِم / هِی مارتِ بَمیره
vaem xāstem dastāte benā davenem / hay māret bamire
وچَم خواستِم عاروسیتِ بونیم / هِی مارتِ بَمیره
vaem xāstem ārusite bavinem / hay māret bamire
وچَم یِه داغیِ وائِشتیِ سَرِ دِلِم / هِی مارتِ بَمیره
vaem ya dāqi vāiti sare delem / hay māret bamire

■ اشعار نوعی گریه دان (از زبان خواهر متوفی)

آی نازنینِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay nāzenin berār / xoa ret bamire
آی رَشیدِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay raide berār / xoa ret bamire
آی پهلوانِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay pahlevāne berār / xoa ret bamire
آی نامدارِ پرار / خُونَرِتِ بَمیره
ay nāmdāre berār / xoa ret bamire

